

مروری بر کتاب آیه تطهیر در آیینۀ شعر عرب

آیه تطهیر در آیینۀ شعر عرب، زهره اخوان مقدم؛ چ ۱، تهران: نبا، ۱۳۹۲، ۲۷۶ ص.

[۳]

زنده بودن هر تحقیق به آن است که پژوهش‌های بعدی درباره آن شکل گیرد؛ پژوهش‌هایی در جایگاه تکمیل، استدراک، تعلیق، روش‌شناسی، نقد و بررسی، روزآمدی و عناوین دیگر که لازمه تحلیل اثر است. شوربختانه به جای تقویت این جنبه، بیشتر به تجلیل صاحب اثر پرداخته شده و کمتر به پیگیری‌های پژوهشی‌الغدیر توجه شده است.

بدیهی است که مراد نگارنده از این سطور، «تجلیل و تحلیل توأمان» است، نه مدح و تمجید یکطرفه و بی‌توجهی به ارزیابی‌های منتقدانه.

به هر حال رسم و آیین حرمت نهادن به محققان و یادگارهای اثرگذار آنان، این‌گونه نیست که جنبه‌های تحقیقی آثارشان فراموش شوند. بر اساس یک تحقیق کتاب‌شناسانه^۱ تنها سه عنوان پایان‌نامه درباره‌الغدیر در دانشگاه‌های پیام نور قم، آزاد تهران و کوفه (عراق) نوشته شده است.

آیا همه پشت صحنه روشمندی‌ها بیش از این کار تحقیقی نمی‌طلبند؟ اگر چنین شاهکاری در اختیار گروهی دیگر یا ملتی دیگر می‌بود، چنین برخوردی با آن داشتند؟ کارنامه خود را با مراکز و نهادهای تحقیقی کشورهای پیشرفته جهان قیاس نمی‌کنم. کافی است آن را با کارنامه پربرگ و پر بار همسایگان پاکستانی خودمان در مورد دکتر محمد اقبال مقایسه کنیم تا قصور و تقصیر خود را در باب علامه امینی ببینیم کم‌کاری‌ای که جای هیچ‌گونه توجیه ندارد.

[۴]

اینک با کتابی روبرو هستیم که در فضای روشمندی‌الغدیر برآمده و

۱. کتاب‌شناسی علامه امینی از دوست دانشور حمید سلیم گندمی که در فصلنامه سفینه شماره ۳۸ چاپ شده است.

چکیده: کتاب «آیه تطهیر در آیینۀ ادبیات عرب» نوشته زهره اخوان مقدم، پژوهشی درباره آیه تطهیر است که محور اصلی آن، کاربرد درونمایه آیه تطهیر در ادبیات عرب است. کتاب مذکور مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم اخوان در سال ۱۳۸۱ در رشته ادبیات عرب بوده که در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات نبا به چاپ رسیده است. نویسنده در نوشتار حاضر، به اختصار به تشریح محتوای فصول کتاب پرداخته و سپس پیشنهاداتی را در رفع کاستی‌های محتوایی، چاپی، و ویرایشی اثر ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: کتاب آیه تطهیر در آیینۀ ادبیات عرب، زهره اخوان مقدم، آیه تطهیر، نقد و بررسی کتاب.

[۱]

نزدیک به هشتاد سال پیش علامه مجاهد شیخ عبدالحسین امینی طرحی نو در بیان مباحث امامت در افکند و موضوع غدیر را در ادب عرب پی گرفت. او با این کار عظیم و جاودانه، بنیانی استوار بنا کرد که جاذبه بنا و مبنا، همواره پژوهشگران را به سوی خود فرا می‌خواند.

در واقع این شجره طیبه ریشه‌ای در ایمان و ولای خالصانه به خاندان نور دارد (البته در ساختاری پژوهشی که همتی بلند و حوصله‌ای در خور می‌طلبند) و شاخه‌هایی که هر زمان به بار می‌نشینند و اهل ایمان را بر خوان معنوی خود می‌نشانند.

[۲]

اینک چهل و پنج سال می‌گذرد از انتقال آن بزرگ به سرای دیگر. در این هنگام باقیات صالحات او و به‌ویژه شاهکار جاودانه اش‌الغدیر همچنان زنده است و مشعلی است فروزان که هر زمان تابنده‌تر از پیش رهنوردان را ره می‌نماید.

در طول این چند دهه، الغدیر همچنان قبله قبیلۀ پژوهش ولایی بوده و حول محور آن آثار مختلف برآمده است. نگاهی به ده‌ها نوشتار درباره علامه امینی و آثارش این حقیقت را نشان می‌دهد.

روشن است که نویسنده این فصل را به اختصار برگزار کرده است؛ زیرا در منابع دیگر مربوط به آیه تطهیر به تفصیل بدان پرداخته‌اند.

[۵]

فصل دوم به بررسی شعرشاعران عرب درباره آیه تطهیر می‌پردازد. در این فصل به پیروی از ساختار کتاب الغدیر، بخشی را به نگرشی بر پیشینه و جایگاه رفیع شعر اختصاص داده است. (ص ۸۳، ۹۶). پس از آن اشعار شاعران درباره آیه تطهیر یا به تعبیر نویسنده تطهیریه‌ها را به ترتیب زمان، از سده دوم تا سیزدهم همراه با ترجمه شعر و شرح حال آنان می‌آید.

این بخش اشعار ۴۶ شاعر را در بردارد با تقسیم زیر:
سده دوم، ۴ شاعر؛ سده سوم، ۴ شاعر؛ سده چهارم، ۱۲ شاعر؛ سده پنجم، ۵ شاعر؛ سده ششم، ۴ شاعر؛ سده هفتم، ۶ شاعر؛ سده هشتم، ۲ شاعر؛ سده نهم تا یازدهم، ۳ شاعر؛ سده دوازدهم، ۳ شاعر؛ سده سیزدهم، ۳ شاعر.

نکته اصلی و محوری مشترک میان اشعار این شاعران این است که مراد از اهل بیت در آیه تطهیر، پنج وجود مقدس است نه همسران پیامبر.

[۶]

در میان این شاعران، بزرگانی از شیعه امامی دیده می‌شود، مانند عبدی (سده ۲)، حمیری (م ۱۷۳)، دعبل خزاعی (م ۲۴۶)، ابن علویه (م حدود ۳۲۰)، ناشئ صغیر (م ۳۶۵)، صاحب بن عباد (م ۳۸۵)، ابن عودی نیلی (م ۵۵۸)، اربلی (م ۶۹۲)، کفعمی (م ۹۰۰) و آخوند مسیحا (م ۱۱۲۷).

اما این حق‌گویی منحصر به شیعیان امامی نیست، بلکه نام گروهی از بزرگان تسنن را در شمار این شاعران می‌یابیم مانند محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴)، اخطاب خوارزم (م ۵۶۷)، ابن طلحه شافعی (م ۶۵۲)، ابن ابی الحدید (م ۶۵۶)، ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵) و عسیری شافعی (م ۱۲۲۸ یا ۱۲۲۳).

شاعرانی از مذاهب دیگر نیز در این مجموعه حضور دارند. مانند منصور بالله یمنی زیدی (م ۶۱۴) و وامق نصرانی (سده چهارم).

همین مرور گذرا نشان می‌دهد که حقایقی از این دست، می‌تواند بهترین محور اتحاد اقالیم قبله در برابر جریان‌های خشونت‌گرای عقل‌گرایان باشد که به نام دین، ولی به کام تکفیر و کشتار، ضربه‌هایی جبران‌ناپذیر به دین مبین اسلام می‌زنند. این ظرفیتی است بزرگ که تا کنون توجه مناسب بدان نشده است.

[۷]

مرور بر گستردگی جغرافیایی شاعران نیز جالب توجه است.

پرده‌ای مغفول از ظرفیت گسترده چنان پیگیری پژوهشی یادشده را نشان می‌دهد. کتاب آیه تطهیر در آینه ادبیات عرب نوشته خانم دکتر زهره اخوان مقدم، پژوهشی است درباره آیه تطهیر (آیه ۳۳ سوره احزاب) که محور اصلی آن کاربرد درونمایه آیه تطهیر در ادبیات عرب است.

نویسنده کتاب که اکنون عضو هیئت علمی دانشکده علوم قرآنی تهران است، این کار را در سال ۱۳۸۱ به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات عرب به دانشگاه آزاد تهران مرکز ارائه کرده بود و اینک در کسوت کتاب در سلسله «پایان‌نامه‌های برگزیده» توسط انتشارات نبأ منتشر شده است.

چنان که از مقدمه برمی‌آید، پیشنهاد این موضوع از جناب دکتر محمد امینی، فرزند دانشمند علامه امینی بوده است. هدف این بوده که روشی را که آن عالم فقید در بررسی موضوع غدیره کار گرفته، درباره یک موضوع کلیدی دیگر در امامت به کار گرفته شود.

به بیان دیگری می‌توان عنوان دیگر این کتاب را به اقتضای عنوان کتاب الغدیر چنین دانست: «آیه تطهیر فی الکتاب و السنة و الادب».

[۴]

کتاب پس از مقدمه، دو فصل اصلی دارد.

فصل اول بیش از پنجاه صفحه دارد و به مباحث زیر می‌پردازد: اهمیت آیه تطهیر، مفردات آیه تطهیر، دیدگاه عالمان شیعه و خاستگاه آن، دیدگاه علمای تسنن و سرچشمه اختلاف، چگونگی تعمیم آیه به معصومان دیگر و نگاهی به شخصیت عکرمه و بررسی حدیث او.

برخی از نکات مهم این فصل عبارتند از:

۱. اراده اذهاب رجس در آیه، اراده تشریحی است یا تکوینی؟ اگر اراده تکوینی باشد، به معنای نفی اختیار است؟ در این مورد دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی و آیت‌الله جوادی آملی مطرح شده است.

۲. آیا لازمه اذهاب رجس این است که ابتدا رجس موجود باشد تا فعل «لیذهب» تحقق یابد؟

۳. رجس یعنی چه؟ مصادیق آن چیست؟

۴. اهل‌البیت چه کسانی هستند؟ آیا چهار تن شناخته شده از خاندان پیامبرند (حضرات علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) یا اینان به همراه همسران پیامبر یا فقط همسران؟

سخن اخیر از عکرمه نقل شده و نویسنده بحثی نسبتاً کامل درباره شخصیت و پیشینه عکرمه آورده است.

بخش «خلاصه و نتیجه‌گیری» (ص ۶۷-۷۴) تلخیص مباحث پیشین است.

۵. آیا اهل بیت منحصر در پنج تن است یا دیگر معصومان را در بر می‌گیرد؟

برای نمونه:

کوفه: سفیان عبدی (سده ۲).

یمن: ابونواس (سده ۲)، عبدالله منصور بالله (م ۶۱۴)، ابومحمد منصور

بالله (م ۵۷۰)، عجیلی شافعی (م ۱۲۲۸ یا ۱۲۲۳).

حله: شمس‌الدین حلی (م حدود ۶۹۰).

اربیل (عراق): اربلی (م ۶۹۲)، ابن سرایا (م ۷۵۰ یا ۷۵۲).

فلسطین: شافعی (م ۲۰۴).

حمص (سوریه): دیک العن (م ۲۳۵ یا ۲۳۶).

بغداد: دعبل خزاعی (م ۲۴۶)، ناشئ صغیر (م ۳۶۵).

اصفهان: ابن علویه (م حدود ۳۲۰).

بصره: ابن درید (م ۳۲۱).

حلب: صنوبری (م ۳۳۴).

منبج: ابوفراس (م ۳۵۷).

اشبیلیه (اندلس): ابن هانی (م ۳۶۲).

شوش (ایران): ابوعبدالله سوسی (م ۳۷۰).

دیاربکر (کردستان): بشنوی (سده ۴)، حصفکی (م ۵۵۱ یا ۵۵۳).

طالقان: صاحب بن عباد (م ۳۸۵).

شیراز: ابن مقلد شیرازی (م ۵۷۵).

نیشابور: ابوعلی ضریر (سده ۵).

نیل (عراق): ابن عودی نیلی (م ۵۵۸).

مصر: ابن رزیک (م ۵۵۶)، ساعتی (م ۱۲۹۸).

مکه: اخطب خوارزم (م ۵۶۷ یا ۵۶۸)، ابن صباغ مالکی (م ۸۵۵).

جبل عامل: کفعمی (م ۹۰۰).

بصره: ابن معتوق (م ۱۰۸۷).

فسا (ایران): مسیحا فسوی (م ۱۱۲۷).

نصیبین: ابن طلحه شافعی (م ۶۵۲).

مدائن: ابن ابی الحدید (م ۶۵۶).

کمترین نتیجه این گستردگی جغرافیایی آن است که شاعران دانشور بسیاری در تمام بلاد اسلام و مذاهب مختلف عقیده داشتند و دارند که مراد از اهل بیت که طهارت آنها را خداوند متعال در قرآن اعلام داشته، فقط پنج تن شناخته شده است نه دیگران.

باید دانست که در این زمان، به دلیل سهولت ارتباطات و انتقال مطالب علمی، گسترش یک نظریه آسان است، اگرچه پذیرش آن خود دلیلی بر فرهنگ عمومی تواند بود، ولی در سده‌های پیشین، با توجه به دشواری ارتباطات، گسترش یک نظریه، آن هم میان پیروان مذاهب مختلف و پذیرش دانشوران آنها، به خوبی نوعی فرهنگ عمومی را در مرور زمان‌ها نشان می‌دهد. روشن است که ادامه و تکمیل این پژوهش تا زمان حال و رجوع به منابع بیشتر، این حقیقت را بهتر روشن می‌کند.

[۸]

عمده‌ترین منبع برای شعرشاعران دو کتاب بوده است: یکی مناقب ابن شهر آشوب و دوم الغدیر علامه امینی.

همچنین عمده‌ترین منابع برای شرح حال شاعران که پیش از نقل شعر آنها آمده کتاب‌های زیر است: الاغانی، وفيات الاعیان، لسان المیزان، سیر اعلام النبلاء، تاریخ بغداد، تاریخ دمشق، طبقات الشعراء، اعیان الشیعه، النجوم الزاهره، ادباء العرب، الاعلام و دیگر منابع تراجم‌نگاری.

دیوان شاعر نیز در برخی موارد که در دسترس بوده، در ردیف مصادر به شمار است. مانند دیوان حمیری، دیوان دعبل خزاعی، دیوان ابونواس. برای توضیح پاره‌ای از کلمات اشعار نیز عمدتاً به صحاح و لسان العرب رجوع شده است.

در کتابشناسی منابع (ص ۲۶۳-۲۷۳)، مشخصات ۱۳۳ عنوان کتاب درج شده که بیشتر آنها در شمار کتب مرجع و منابع کهن هستند و این بر اعتبار و وزن کتاب می‌افزاید.

[۹]

در حین مطالعه کتاب چند نکته و پیشنهاد به نظرم رسید که می‌توان در چاپ‌های بعدی به آن توجه کرد:

۱. ترجمه شعرها با حروف ریزتر و عرض کمتر در کتاب بیاید.
۲. تفکیک میان تطهیریۀ یک شاعر و دیگر شعرهای او که ضمن توضیحات (چه در بخش شرح حال شاعر و چه در ضمن متن اشعار او) آمده، بهتر به تفهیم مطلب کمک می‌کند.
۳. فهرست بخش دوم چندان گویا نیست. می‌توان در مورد هر شاعر، دو عنوان (شرح حال و شعرشاعر) را ادغام کرد. در همین جا درج تاریخ تولد و وفات شاعر و شماره مسلسل شعرها نیز (چه در فهرست و چه در داخل کتاب کنار عنوان نام شاعر) مناسب است.
۴. با توجه به اینکه نویسندگان شاعران را تا سده سیزدهم در نظر داشته (ص ۹۶)، بهتر بود این کلمه در عنوان بیاید. ضمن اینکه در همین دوره زمانی، شعرهای دیگری وجود دارد که به مستدرک نیاز دارد و در چاپ‌های بعدی باید آورده شود.
۵. نمایه موضوعی. الفبایی را باید بخشی اجتناب‌ناپذیر از هر کتابی بدانیم. متأسفانه عدم توجه به این مهم راه دستیابی به درونمایه کتاب‌ها را برای خوانندگان دشوار می‌سازد. همچنین نمایه آیات، احادیث، اشخاص، مکان‌ها، کتاب‌ها ضرورت دارد که امید است در چاپ‌های دیگر جبران شود.

[۱۰]

کتاب اشکال‌های چاپی و ویرایشی زیادی دارد که بعضی از آنها بر

معنی نیز اثر می‌گذارد. برای نمونه چند مورد یادآوری می‌شود.

۱. ص ۵، س ۱۹: کلمه «زائد» زائد است.

۲. ص ۶، س ۴ و ۵: شماره ۱۰۷ و ۲۰۷ درست است.

۳. پاورقی ص ۲۹: باید تذکر داد که کتاب «اهل البيت في المكتبة العربية» فقط کتاب‌هایی را در بردارد که الف) به زبان عربی است. ب) نویسنده آن از دانشمندان تسنن است. ج) فقط آثار مستقل تسنن را در بردارد، نه آثار مشتمل. د) آثاری را که پس از زمان حیات مؤلف، یعنی محقق سید عبدالعزیز طباطبایی (سال ۱۳۷۴ شمسی) منتشر یا شناسایی شده در بر ندارد. بنابراین تعداد کتاب‌های تسنن درباره اهل بیت، عددی به مراتب بزرگتر از این عدد است. چنان‌که نگارنده سطور تا کنون چندین تکمله برای کتاب نفیس و راهگشا نوشته و منتشر ساخته است.

همین جا تذکر دهم که نام این کتاب در فهرست منابع کتاب درج نشده است.

۴. پانویس ص ۹۸: جلد چندم الغدیر؟ باید قید شود. احتمالاً جلد دوم باشد.

۵. ص ۱۰۲، س ۱۱: گفתי که گفتمی درست است.

۶. ص ۱۰۲، س ۷: خُف. خف به سکون فاء (صیغه امر) درست است.

۷. ص ۱۰۳، س ۶ و ۷: «که زاوی می‌گوید» تکراری و زائد است.

۸. ص ۱۱۲، س ۲ و ۱۵۷، س ۶: چنانچه به نظر برخی از ویراستاران بهتر است به جای آن کلمه چنانکه به کار رود.

۹. ص ۱۴۲، س ۱۷: وفات دعبل را در سال ۲۴۶ و عمر او را ۷۹ سال دانسته است، در حالی که تولد او را سال ۱۴۸ می‌داند (ص ۱۴۰، س ۱۷). این اعداد با هم سازگار نیست.

۱۰. ص ۱۴۷، س ۷۰۴: ارتباط این آیات با آیه تطهیر خیلی روشن نیست و توضیح بیشتر می‌خواهد.

۱۱. ص ۱۵۵، س ۱۶: نوشته‌اند: «ابوبکر این درید... در سن ۸۹ یا ۹۸ سالگی در ماه شعبان سال ۳۲۱ از دنیا رفت».

اگر سال تولد او همان باشد که در متن ص ۱۵۴، س ۴ آمده (سال ۲۲۳)، در این صورت سن ۸۹ غلط است و باید به نادرست بودن آن تذکر داده شود. گرچه در بعضی از منابع آمده باشد.

۱۲. ص ۱۶۰، س ۷: سال قتل ابوفراس را ۳۵۷ و عمر او را ۳۷ یا ۴۰ سال می‌داند، در حالی که تولد او را سال ۳۲۰ یا ۳۲۱ آورده است (ص ۱۵۹، س ۶). در این عددها نیز باید بازنگری شود.

۱۳. ص ۱۶۶، س ۲: وفات ابن‌هانی را در سال ۳۶۲ و عمر او را ۴۰ سال می‌داند، در حالی که تولد او را به سال ۳۲۶ قید کرده است (ص ۱۶۵، س ۱۲). این عبارت نیز مفهوم نیست. جملات اواخر صفحه ۱۶۶ و اوایل صفحه ۱۶۷ مشکل را حل نمی‌کند و نیاز به بازنگری دارد.

۱۴. ص ۱۷۳، س ۶: سال ۱۳۷۰ نادرست و ۳۷۰ درست است.

۱۵. ص ۱۷۵، س ۹: به نظر می‌رسد که مصراع اول شعر باید تصحیح

شود: «اذا كنت اشهد أن الإله»

۱۶. ص ۱۹۴، پانویس ۱: شماره صفحه الذریعه نادرست است.

۱۷. ص ۲۱۸، س ۲: درباره ابن طلحه آمده که در علوم مختلف آگاهی داشت، «از جمله علم حروف و اوقات».

آیا همین کلمه درست است؟ آیا مراد، علم اوفاق نیست؟ به هر حال نیاز به توضیح مختصر دارد.

۱۸. پانویس ۹، ص ۲۲۹: ارجاع به مقدمه کتاب کشف الغمه داده است. بهتر است عبارت «مقدمة التحقيق» قید شود.

۱۹. پانویس ۴، ص ۲۳۳: نام کتاب معجم المؤلفین تصحیح شود.

۲۰. ص ۲۴۹، س ۱۱ و ۱۴: متن و اعراب این بیت‌ها نیاز به بازنگری دارد.

۲۱. ص ۲۵۶، س ۲: عبارت «عصر حدیث» آمده که ظاهراً مراد آن دوره جدید است، در حالی که این وصف برای قرن سیزدهم درست نیست.

۲۲. در کتابشناسی منابع اشتباهات چاپی و غیرچاپی رخ داده است: الف) ص ۲۶۳، شماره ۸: دارالکتب درست است.

ب) ص ۲۶۴، شماره ۱۸: کلمه «لدرر» درست است.

ج) ص ۲۶۷، شماره ۵۳: وفات شریف رضی در سال ۴۰۶ درست است.

د) ص ۲۶۸، شماره ۶۷: وصف سید برای علامه امینی نادرست است.

ه) ص ۲۶۸، شماره ۶۹: دارالکتب العلمیه درست است.

و) ص ۲۶۸، شماره ۷۰: سال وفات شیخ آقا بزرگ تهرانی در سال ۱۳۸۹ درست است.

ز) ص ۲۷۰، شماره ۹۷: «به اشراف» درست است.

ح) ص ۲۷۱، شماره ۹۹: نام محقق، «دکتر احمد مهدوی دامغانی» درست است.

ط) ص ۱۲۲، شماره ۱۲۲: نام علامه طباطبایی «سید محمد حسین» درست است.

ی) ص ۲۷۳، شماره ۱۲۸: نام مؤلف نور الثقلین، «عبد علی بن جمعه» درست است.

[۱۱]

سخن پایانی اینکه این اشکالات معدود و جزئی هرگز ارزش کتاب را کم نمی‌کند. بعضی مزایا در این کتاب هست که نمی‌توان بدون تذکر به آنها، این وجیزه را به پایان برد. موضوع ابتکاری، ورود و خروج پخته و محققانه، حوصله و تتبع در نوشتن بیش از چهل شرح حال به شیوه دانشنامه‌ای، اعراب و ترجمه و حل مشکلات صدها بیت و استناد به بیش از ۱۳۰ منبع معتبر برخی از این مزایا است. بدین روی عموم پژوهشیان را به بهره‌گیری از این کتاب توصیه می‌کنم.

توفیق روزافزون نویسنده و ناشر را از خدای بزرگ آرزو دارم و امیدوارم مشمول دعای خیر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه باشند.